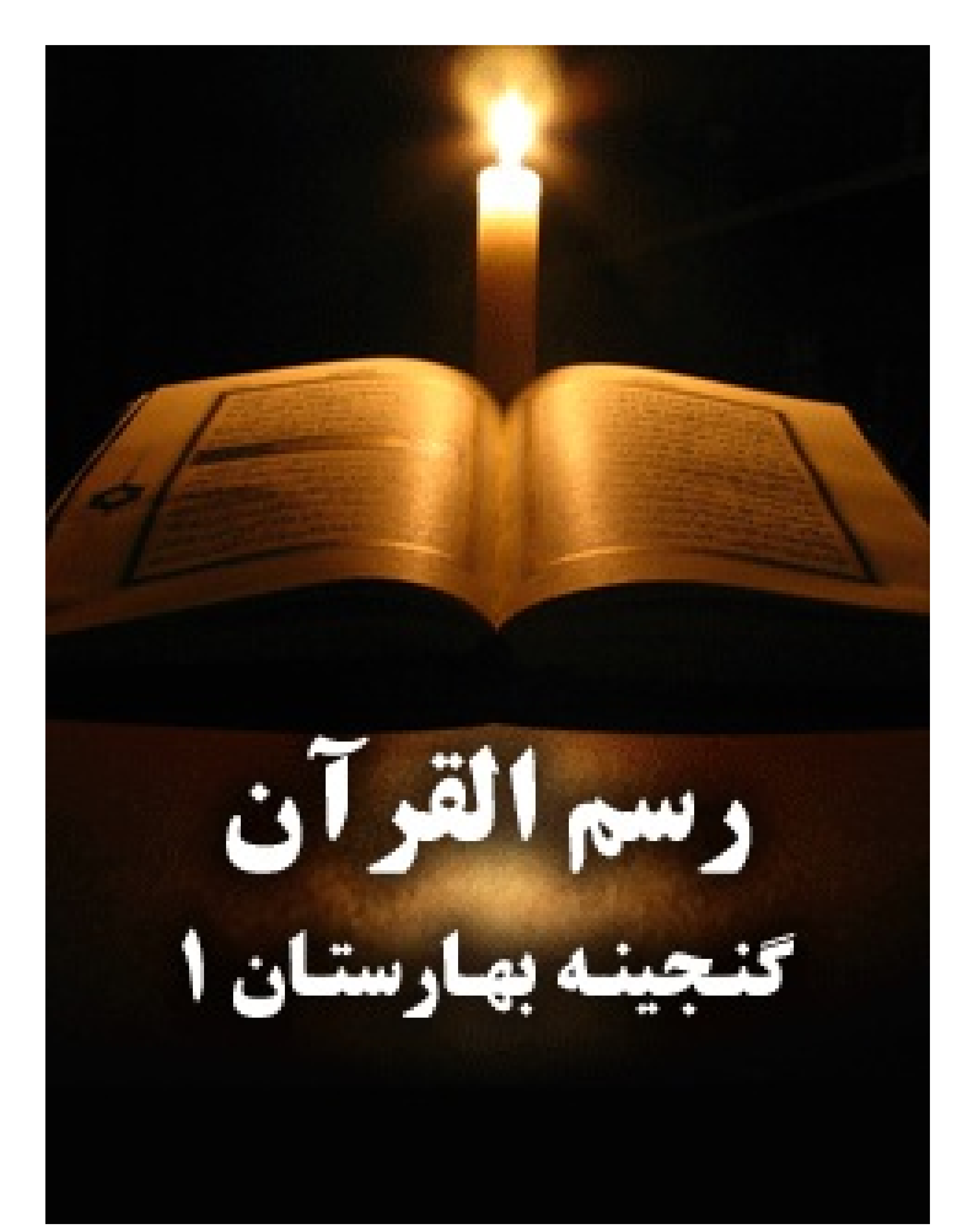

رسم القرآن
گنجینه بهارستان ۱


بسم الله الرحمن الرحیم

رسم القرآن (گنجینه بهارستان ۱)

نویسنده:

ابوبکر بن احمد بن حسین بن مهران نیشابوری

ناشر چاپی:

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رسم القرآن (گنجینه بهارستان ۱)

مشخصات کتاب

نام کتاب: رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)

نویسنده: ابو بکر بن احمد بن حسین بن مهران نیشابوری

موضوع: رسم قرآن

تاریخ وفات مؤلف: ۳۸۱ ق

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: وزارت ارشاد

مکان چاپ: تهران

سال چاپ: ۱۳۸۰

نوبت چاپ: اوّل

پیشگفتار

اشاره

امر تحقیق، تصحیح و احیای متون کهن، کاری است که علیرغم ضرورت و اهمیّت فوق العاده آن در بازسازی هویّت فرهنگی ما، به دلایلی مورد بی مهری و کم توجّهی قرار گرفته. شاید یکی از عمده ترین این دلایل دشواری این مقوله باشد. تصحیح متون ظرایف و پیچیدگیهای بسیاری دارد و مستلزم آگاهیهای فراوان علمی و فنّی است. هر چند در بدو امر چنین به نظر نمی آید، امّا آنان که تجاربی در این زمینه دارند، به عمق این سخن بخوبی واقفند.

در سالهای اخیر حرکت مبارک احیای میراث مکتوب شتاب افزونتری گرفته و مراکز متعدّدی در این عرصه گام نهاده اند. از جمله مرکز پژوهش و آموزش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی که در کنار سایر فعالیتهای خود، توجّه ویژه ای به این امر نموده و با درایت ریاست فرهیخته کتابخانه، جناب حجه الاسلام و المسلمین سیّد محمد علی احمدی ابهری، و همّت مدیریت اندیشمند مرکز پژوهش و آموزش، استاد و دوست ارجمندم جناب آقای علی اوجبی، که خود از مرارت چشیدگان وادی تصحیح متون هستند، به احیا و نشر برخی نسخ خطّی، از جمله نشر مجموعه رسائل گنجینه بهارستان

توفیق یافته است.

توفیق الهی و الطاف ذوات مقدّسه معصومین علیهم السّلام عنایت مدیریت محترم مرکز پژوهش و آموزش را متوجّه بنده نمود و علیرغم کمی زاد و توشه علمی و صلاحیت فنّی، مسئولیت تدوین مجموعه علوم قرآنی و روایی گنجینه بهارستان را بر دوشم

نهادند.

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، مقدمه، ص: ۲۸

از اینکه سعادت خدمتی به آستان قرآن و سنّت نصیبم گشت، بسیار خرسند شدم و با عرض شکر و نیاز به درگاه بی نیاز مطلق و استمداد از خزانه کرم بی منتهای امیر مؤمنان علیه السّلام کار را آغاز نمودم.

رسائل متعدّدی از مجموعه های گرانبهای نسخ خطّی کتابخانه مجلس شورای اسلامی برگزیده شد و تصویر پاره ای از آنها به دست آمد، و با همکاری متن پژوهان و فرهیختگانی چند، آنچه در این مهلت اندك فراهم آمد در دو بخش علوم قرآنی و علوم روایی به شرح ذیل تقدیم دوستداران و جستجوگران فرهنگ ایران و اسلام می گردد:

الف. علوم قرآنی

۱. رسم القرآن: از کهن ترین رسائل فارسی در زمینه رسم الخطّ قرآن که توسّط ابو بکر بن احمد بن حسین بن مهران نیشابوری (۲۹۵- ۳۸۱ ه. ق) تألیف گردیده و دارای اهمیت ویژه ای در زمینه کتابت قرآن می باشد. این رساله بر اساس نسخه شماره ۶/ ۱۲۱۵۵ مجلس شورای اسلامی توسّط استاد دکتر ابو القاسم امامی تحقیق و با نسخه چاپی آن نیز مقابله شده است.

۲. سلك البیان: تألیف ملّا محمّد جعفر استرآبادی (۱۱۹۸- ۱۲۶۳ ه. ق) معروف به شریعتمدار، که در آن به بیان کلمات قرآنی که احتمال اشتباه در قرائت آنها وجود دارد پرداخته و به ترتیب سوره های قرآن، به تفصیل کلمات مزبور را بیان کرده است. نگارنده، این رساله را بر اساس نسخه شماره ۱۲۰۷۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی بازخوانی نموده است.

۳- عمده القاری: منظومه ای مختصر در علم تجوید که توسّط مؤلّفی ناشناخته به نام حافظ شرف به سال ۷۰۳ ه. ق سروده شده و با اشعاری روان، به سادگی احکام

تجوید را بیان کرده است. این منظومه بر اساس نسخه شماره ۵۳۹۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی توسّط آقای محمّد شیرین کار بازخوانی شده.

۴. تحفه الحفّاظ: منظومه ای مفصّل تر از رساله پیشین، تألیف نصره بن عمر ملقّب به

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، مقدمه، ص: ۲۹

سکندر، از دانشمندان قرن نهم هجری، که با نظمی دلنشین خلاصه ای از همه احکام تجویدی را از شش کتاب دیگر برگزیده است. این منظومه بر اساس نسخه شماره ۵۳۹۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی به وسیله آقای سیّد محمّد یوسفی بازخوانی شده.

۵. مرادیه: این رساله نیز در علم تجوید به نگارش در آمده و مؤلّف ناشناس آن در سده دهم هجری می زیسته است. آقای سیّد محمّد یوسفی بازخوانی این رساله را از روی نسخه شماره ۵۰۰ ط کتابخانه مجلس شورای اسلامی به اتمام رسانده اند.

۶. تفسیر آیه الکرسی: به دلیل اهمیت و عمق معنایی این آیه شریفه، دانشمندان مسلمان بسیاری به تفسیر آن همّت گماشته اند. از آن جمله شمس الدین خفری متکلّم، حکیم، منجّم و فقیه بلندپایه عصر صفوی، در این رساله که به زبان عربی نگارش یافته، به گفته خود به بیان بعضی از لطایف سیّد آیات، یعنی آیه الکرسی، پرداخته و در پایان خواصی را نیز برای آن ذکر کرده است. آقای علی واجبی این رساله را بر اساس نسخه شماره ۲/ ۷۱۳۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی و دستنوشت شماره ۶/ ۳۶۲ کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی تصحیح نموده است.

۷. عروه الوثقی: شرحی دیگر بر آیه الکرسی از فرزند صدر المتألّهین شیرازی (در گذشته ۱۰۷۰ ه. ق) این شرح به زبان فارسی و در سه نمایش سامان یافته:

۱) تشخیص دینی که اکراه

نباشد. ۲) تحقیق معنی طاغوت و کفر بدان و ۳) تبیین مراد از عروه الوثقی.

در نمایش سوم، به تفصیل مصادیق عروه وثقی را، که امیر المؤمنین و فرزندان گرامی آن حضرت علیهم السّلام هستند، با تمسّک به آیات و روایات بیان نموده. مصحّح این متن نیز آقای علی اوجبی هستند و تصحیح را بر مبنای دستنوشت شماره ۴۹۴۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی انجام داده اند.

۸. فضیلت سوره توحید: نگاشته میر داماد (۹۶۹- ۱۰۴۰ ه. ق) دانشمند برجسته عصر صفوی، که علیرغم ایجاز و اختصار، با استناد به جوامع روایی شیعه و تفسیر کبیر امام فخر رازی فضیلت سوره توحید را بیان کرده و به توجیه و تفسیر آن دسته از روایات که

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، مقدمه، ص: ۳۰

حضرت علی علیه السّلام را به سوره توحید تشبیه کرده اند، پرداخته است. این رساله بر اساس نسخه های: مجلس شورای اسلامی به شماره ۲/ ۴۵۵۳، و شماره ۱۴/ ۳۳۲۳ و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره های ۱۸۳۷ و ۱۸۳۸ توسّط آقای علی اوجبی تصحیح شده.

ب- علوم روایی

۱. شرح حدیث کنت کنزا مخفیا: این شرح که به اشتباه از صدر المتألهین یا شیخ بهایی و یا علاء الدوله سمنانی دانسته شده، از رسائل شیخ اشراق محیی الدین عربی (در گذشته ۶۳۸ ه. ق) است که در پاسخ به اشکالی بر مضمون آن، تألیف نموده. ابن عربی در این رساله چهار جواب به اشکال مزبور ارائه کرده است. خانم فاطمه فنا این متن را بر اساس نسخه شماره ۳۲/ ۳۳۲۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی باز خوانی، و با پنج نسخه دیگر موجود در همین کتابخانه به شماره های ۲۰۲/ ۳۴۵۴، ۴۵/ ۱۴۲۸۰،

۸/ ۳۹۲۰، ۱۱/ ۲۰۶ و ۳۵/ ۱۸۲۲ مقابله و تطبیق نموده است.

۲. صحیفه المحبّه: در مجموعه میراث مکتوب اسلامی، چهل حدیث های فراوانی به چشم می آید. این رساله ترجمه منظوم چهل حدیثی است که توسّط سائل کاشانی (در گذشته ۹۴۰ ه. ق) سروده شده. ناظم هر حدیث را در قالب دو بیت به زیبایی بیان کرده است. آقای جویا جهانبخش بر اساس نسخه شماره ۱۰۱۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، این رساله را تصحیح کرده اند.

۳- ستّین عادلی: عادل بن علی بن عادل (در گذشته قرن ۱۰ ه. ق) که از عالمان و شاعران گمنام عهد صفوی است، در این رساله شصت حدیث نبوی را با بیانی ساده و روان در قالب یک یا دو بیت فارسی به نظم کشیده. این رساله پیش از این در مجموعه میراث حدیث شیعه به چاپ رسیده، امّا عدم بهره مندی مصحّح محترم آن از نسخه مجلس شورای اسلامی و نیز برخی کاستیها در تحقیق و تصحیح، چاپ مجدّد آن را ضروری نمود. آقای دکتر عبد الحسین مهدوی تصحیح این متن را بر اساس نسخه شماره

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، مقدمه، ص: ۳۱

۵/ ۱۴۴۰۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی و نسخه شماره ۱۰۰۳ کتابخانه آیت اللّه مرعشی (ره) به انجام رساندند.

۴. الاربعون: علّامه عظیم الشأن، ملّا محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷- ۱۱۱۰ ه. ق) در میان خیل آثار گرانبهای بجای مانده از خویش، چهل حدیثی نیز به یادگار نهاده است.

احادیث منقول در این اثر، که به زبان فارسی تألیف شده، جملگی از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم و پیرامون خواصّ او راد و اذکار می باشد. این متن بر اساس نسخه

شماره ۱۲۳۸۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، توسّط آقای محمود نظری باز خوانی شده.

۵. الـدّرّ المکنـون: مجموعه ای از ۲۸۳ حـدیث کوتـاه منقـول از امیر المـؤمنین علیه السّـلام که در ابوابی به ترتیب حروف الفبا توسّـط امین الاسـلام فضل بن حسن طبرسـی (در گذشـته ۵۴۸ ه. ق) صـاحب مجمع البیـان گرد آورده شـده است. آقای بشـیر جزایری این رساله را، که نثر اللئالی نیز نامیده شده است، بر اساس نسـخه ۲/ ۷۱۰۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی باز خوانی کرده اند.

۶. سلوه الشیعه: گرد آوری اشعار منسوب به امیر المؤمنین علیه السّلام پیشینه ای دیرینه در میان مسلمانان، اعمّ از شیعی و سنّی، دارد. ابو الحسن علی بن احمد فنجگردی (در گذشـته ۵۱۳ ه. ق) نیز رساله حاضـر را، که کهن ترین مجموعه اشعار منسوب به حضرت است که به دست ما رسیده، با گزینش ۶۴ قطعه از اشعار منسوب فراهم آورده. این رساله، که شیفتگان فراوانی از اهل تحقیق چشم انتظار نشـر آن بوده اند در مواردی با دو چاپ موجود دیوان منسوب به حضـرت علی علیه السّلام نیز مورد مقایسه قرار گرفته. مبنـای تصـحیح این متن توسّـط آقای جویا جهانبخش، نسـخه شـماره ۷۰۹۹ کتابخـانه مجلس شورای اسـلامی بوده است.

۷. فضل الصلوات: فضیلت صلوات بر پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت وی علیهم السّلام مورد اتّفاق فرق مختلف اسلام بوده و از دیر باز تا امروز کتابها و رسائلی در این زمینه به رشته تحریر در آمده. رساله حاضر نیز یکی از آثار مختصر امّا ارزشمند در این زمینه می باشد.

واعظ سبزواری، که روضه الشهداء و جواهر التفسیر از معروفترین آثار وی می باشد، در این

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، مقدمه، ص: ۳۲

رساله، که منتخبی از کتاب تحفه الصلوات خود اوست، به بیان فضیلت و فوائد و آداب و کیفیت صلوات بر پیامبر و اهل بیت وی علیهم السّلام پرداخته است. این رساله بر اساس نسخه شماره ۱۴۳۵۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی توسط آقای سیّد محمّد یوسفی بازخوانی شده است.

۸. ضوابط الاسماء و اللّواحق: شیخ فخر الدین طریحی (در گذشته ۱۰۸۵ ه. ق) در این رساله مختصر به بیان کنیه ها و القاب پیامبر و امامان علیهم السّلام و اصحاب و راویان و سپس فرق شیعه و بیانی در علّت وقوع اشتباهاتی در اسناد احادیث را می آورد. آقای بشیر جزایری این رساله را بر مبنای نسخه شماره ۷۰۵۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی بازخوانی کرده اند.

۹. ادعیه میریه: حسن ختام این مجموعه، رساله ای دیگر از میرداماد (در گذشته ۱۰۴۰ ه. ق) است، مشتمل بر دعاهای منقول از خطّ میر، که با مقدّمه دلنشین مصحّح محترم آقای علی اوجبی، بس دلنوازتر و روح افزاتر گشته. نسخه شماره ۱۲۴۹۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی اساس این تصحیح واقع گردیده. خِتامُهُ مِسْکٌ وَ فِی ذلِکَ فَلْیَتَنافَسِ الْمُتَنافِسُونَ.

علیرغم تلاش ما در جهت همگونی شیوه تصحیح و ویرایش متن، تعدّد پژوهندگانی که در فراهم آمدن این مجموعه سهیم بوده اند، با سلایق و روشهای گونه گون، بی شک نایکدستی هایی را بر کلّ مجموعه تحمیل نموده است.

در مواردی که تنها یک نسخه مورد استفاده قرار گرفته است، شیوه قیاسی، و در دیگر موارد شیوه تلفیقی با گزینش احتمال راجح و برخی موارد تصحیح بر مبنای نسخه اساس مبنای کار بوده. دو قلّاب برای افزوده های مصحّحان و دو نشانه «+» و «-» برای بیان فزونی و کاستی نسخه های بکار رفته

است.

همانطور که پیشتر بیان شد، این کار تنها به لطف الهی و مدد ذوات مقدّسه معصومان بخصوص امیر مؤمنان علی علیه السّلام کرده آمد. شکر و سپاس بی اندازه خود را به درگاه الهی و آستان مقدّس آنان نثار می کنم و از عزیزانی که در فراهم آمدن این دفتر نقشی داشته اند

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، مقدمه، ص: ۳۳

به نیکی یاد و پاداش فراوان برای آنان آرزو می کنم:

ریاست دانشمند کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مدیریت محترم مرکز پژوهش و آموزش، مدیران و کارکنان بخشهای مختلف کتابخانه که در مراحل مختلف یاری گر ما بودند، جناب آقای محمود خانی، سرکار خانم پروین رسولی و بنفشه ابو طالبی که حروفچینی و صفحه آرایی این مجموعه به همّت ایشان به انجام آمد، و بالاخص پژوهندگان گرانمایه ای که با بزرگواری در تصحیح و تحقیق این رسائل بی هیچ چشمداشتی تحمّل مشقّت نمودند.

همچنین بر خود لازم می دانم از همسر بزرگوارم که با صبر و گذشت خویش و در برخی مراحل همکاری و همراهی در بازخوانی این مجموعه یاریم نموده، قدردانی نمایم.

در پایان یکی از مناجاتهای منقول از میر داماد را زینت بخش این مقال می سازیم:

اللّهمّ اجمع شملی و أصلح لی شأنی و یسّر لی أمری و إن کان عسیرا، فإنّک علی تیسیر کلّ عسیر قدیر و إنّ تیسیر کلّ عسیر علی قدرتک سهل یسیر.

و اخر دعوینا أن الحمد للّه ربّ العالمین سیّد مهدی جهرمی سیزدهم رجب المرجّب ۱۴۲۱ بیست و یکم مهر ماه ۱۳۷۹ میلاد مولود کعبه علی علیه السّلام

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، متن، ص: ۱

۱ رسم القرآن

اشاره

نگاشته ابو بکر بن احمد بن حسین بن مهران نیشابوری (در گذشته ۳۸۱ ه. ق) به

کوشش ابو القاسم امامی

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، متن، ص: ۳

مقدّمه مصحّح

مؤلّف رساله، ابو بکر بن احمد بن حسین بن مهران نیشابوری (م ۳۸۱ ه. ق) است. در این رساله نامش «مهربان» آمده که تصحیف است. وی در اصل اصفهانی و مقیم نیشابور بود. در علم قراءات پیشوای زمان خود بود.

در این بابت نوشته های متعدّدی به وی منسوب است. از جمله: غرائب القراءات، وقوف القرآن، الشامل، که به گفته ذهبی کتابی است بزرگ، الغایه فی القراءات العشر، و المبسوط فی القراءات العشر.

تصویر نسخه الغایه بنا بر بیان زرکلی، در دانشگاه ریاض، و نسخه المبسوط در کتابخانه ظاهریه نگاهداری می شود.

امّا رساله حاضر، که تاریخ کتابت آن ۱۰۱۴ هجری است، در باب رسم قرآن و ضبط واژگانی است که در آن، شکل نوشتاری در جای جای قرآن با یکدیگر متفاوت است. یا به تعبیر ابن مهران و بنا بر گزارش مترجم فارسی رساله «در خواستند از من یاران، بیان کردن اختلافهای هجا که در قرآن است و در ذکر اینها که اهل حجاز و اهل شام و اهل حرم بنوشته اند». البته در این رشته از علوم پیرا قرآنی، دیگران نیز چه به صورت مستقلّ و چه در مقدّمه تفسیرها به تفصیل و دقّت بی نظیر نوشته اند. از جمله کتاب إیقاظ الأعلام بوجوب اتباع رسم المصحف الإمام نوشته محمد حبیب اللّه شنقیطی را می توان نام برد، و از

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، متن، ص: ۴

نظام الدین نیشابوری (در گذشته ۷۲۷ ه. ق) که مقدّمه هفتم تفسیرش غرائب القرآن به همین موضوع اختصاص یافته است. گفتنی است که تفسیر نیشابوری تهذیبی است از مفاتیح الغیب یا تفسیر

کبیر فخر رازی که به شیوه خود، مطالب حاشیه ای و ناسودمند آن را پیراسته و از آن غرائب القرآن را پدید آورده است.

از این رساله تحریرهای متعدّدی به عربی یا به ترجمه فارسی در دست است. یکی از نسخه های فارسی آن در مجموعه رسائل فارسی (دفتر چهارم) بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس تحت عنوان اختلافات هجاء قرآنی با مقدّمه ای سودمند انتشار یافته است که در مواردی نه اندک، با نسخه کتابخانه مجلس اختلاف دارد. در بازخوانی حاضر اختلافات عمده با حرف «چ» در پاورقی ها مشخّص شده است.

ضبط واژگان قرآن چنانکه در رساله نیشابوری می بینیم، با آنچه مرسوم خوشنویسان مشهور است، متفاوت است. برای نمونه، ضبط کلماتی مانند نعمت، رحمت، سنّت، منطبق با کتابت عثمان طه نیست، چه درکتابت او به تای گرد (ه) آمده است. در این رساله که خود ترجمه متن عربی است، ضبط کلماتی همچون: جار، چهار (چار، چهار)، یا از بس (از پس) و مانند آن، بسا راهنمای تعیین زمان ترجمه رساله یا هویت مترجم است، که پژوهندگان را به کار می آید.

این رساله به شماره ۶/ ۱۲۱۵۵ در گنجینه نسخ خطّی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به ثبت رسیده و در پاورقی ها با حروف رمز «س» مشخص شده است.

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، متن، ص: ۵

[متن رساله]

بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین «۱» و صلّی اللّه علی محمّد و آله أجمعین.

قال الشیخ الإمام أبو بکر ابن أحمد بن حسین بن مهران «۲» النیشابوری- رحمه اللّه تعالی «۳»-: در خواستند از من یاران بیان کردن اختلافهای هجا «۴» که در قرآن است و در ذکر اینها که «۵» اهل حجاز و

اهل شام و اهل حرم بنوشته اند.

و از جمله آنها که مختلف است:

یکی: این است که هر «نعمه» «۶» که در قرآن است همه به ها باید نوشت، مگر یازده جا که به تا باید نوشت: در سوره بقره فی قوله تعالی: وَ اذْكُرُوا «۷» نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ «۸»، و در سوره آل عمران فی قوله تعالی: وَ اذْكُرُوا «۹» نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ «۱۰»، و در سوره مائده فی قوله تعالی: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا «۱۱» نِعْمَتَ اللَّهِ «۱۲»، و در سوره ابراهيم: أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ «۱۳»، و هم در این سوره: وَ إِنْ تَعُدُّوا «۱۴» نِعْمَتَ اللَّهِ «۱۵»، و در

---

(۱) چ:+ و العاقبه للمتقين.

(۲). س: مهربان.

(۳). چ: رحمه الله عليه.

(۴). س: هيجا.

(۵). چ:- ذكر اينها كه.

(۶) س: نعمت.

(۷) س: و إذا ذكروا.

(۸) آيه ۲۳۱.

(۹) س: و إذا ذكروا.

(۱۰) آيه ۱۰۳.

(۱۱) س: و إذا ذكروا.

(۱۲) آيه ۱۱.

(۱۳) آيه ۲۸.

(۱۴) س:- و إن تعدّوا.

(۱۵) آیه ۳۴.

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، متن، ص: ۶

و در سوره النحل: وَ بِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ «۱»، و هم در این سوره: يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ «۲»، وَ اشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ «۳»، در سوره لقمان: تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ «۴»، و در سوره الملائکه: يا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا «۵» نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ «۶»، و در سوره و الطور: فَما أَنْتَ بِنِعْمَهِ رَبِّكَ «۷» «۸».

دوم: هر چه در قرآن «رحمه» «۹» آید به ها باید نوشت، مگر به هفت جا که به تا باید نوشت: اوّل در سوره البقره:

أُولئِکَ یَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ «۱۰»، و در سوره اعراف: إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ «۱۱» «۱۲»، و در سوره هود: رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ «۱۳»، و در سوره مریم: ذِکْرُ رَحْمَتِ رَبِّکَ عَبْدَهُ زَکَرِیَّا «۱۴»، و در سوره روم: إِلی آثارِ رَحْمَتِ اللَّهِ «۱۵»، و در سوره الزخرف: أَ هُمْ «۱۶» یَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّکَ «۱۷»، و در همین سوره «۱۸»:

وَ رَحْمَتُ رَبِّکَ خَیْرٌ «۱۹».

سیم: هر چه در قرآن «سنّه» «۲۰» آید همه به ها نوشته شود، مگر در پنج جا که به تا باید نوشت، اوّل: سوره انفال: فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِینَ «۲۱»، [دوّم در سوره الملائکه: فَهَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِینَ «۲۲»] «۲۳»، و در همین سوره: فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِیلًا «۲۴»، و در همین سوره: وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِیلًا «۲۵»، حم المؤمن: سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِی قَدْ خَلَتْ فِی عِبادِهِ «۲۶».

چهارم: هر چه در قرآن «امرأه» «۲۷» آید به ها باید نوشت، مگر در هفت جا که به تا باید نوشت: اوّل، آل عمران: إِذْ قالَتِ امْرَأَتُ عِمْرانَ «۲۸»، و در سوره یوسف:

---

(۱) آیه ۷۲.

(۲) آیه ۸۰.

(۳) آیه ۱۱۴.

(۴) آیه ۳۱.

(۵) س: اذا ذکروا.

(۶) آیه ۳.

(۷) چ:+ بکاهن.

(۸) آیه ۲۹.

(۹) س: رحمت.

(۱۰) آیه ۲۱۸.

(۱۱). چ:- من المحسنین.

(۱۲). آیه ۵۶.

(۱۳) آیه ۷۳.

(۱۴) آیه ۲.

(۱۵) آیه ۵۰.

(۱۶) س: و هم.

(۱۷) آیه ۳۲.

(۱۸) س:- سوره.

(۱۹) آیه ۳۲.

(۲۰) س: سنت.

(۲۱) آیه ۳۸.

(۲۲) آیه ۴۳.

(۲۳) افزوده بر اساس نسخه «چ».

(۲۴) آیه ۴۳.

(۲۵) آیه ۴۳.

(۲۶) آیه ۸۵.

(۲۷) س: امرأت.

(۲۸). آیه ۵۳.

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، متن، ص: ۷

امْرَأَهُ الْعَزِیزِ «۱»، و در همین سوره نیز: قالَتِ امْرَأَهُ الْعَزِیزِ «۲»، و در سوره قصص: قالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَیْنٍ لِی وَ لَکَ «۳»، و در سوره تحریم: امْرَأَتَ نُوحٍ «۴»، و در همین سوره: امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ «۵»، و در همین سوره: امْرَأَتَ لُوطٍ «۶».

پنجم: هر چه در قرآن «معصیه» «۷» آید به ها باید نوشت، مگر در دو جا که به تا نوشته اند، هر دو در سوره مجادله: و معصیت الرّسول «۸»، و ایضا: و معصیت الرّسول «۹».

ششم: هر چه در قرآن «لعنه» «۱۰» آید به ها باید نوشت مگر در دو جا: اوّل، آل عمران:

فنجعل لعنت اللّه علی الکاذبین «۱۱»، [دوم]، در سوره نور: و الخامسه أنّ لعنت اللّه علیه «۱۲»

«۱۳».

هفتم: هر چه در قرآن «شجره» آید به ها باید نوشت، مگر در یک جا، در دخان: إنّ شجرت الزّقّوم طعام الأثیم «۱۴».

هشتم: هر چه در قرآن «جنّه» «۱۵» آید به ها باید نوشت، مگر در سوره الواقعه: فروح و ریحان «۱۶» و جنّت نعیم «۱۷»

«۱۸».

نهم: هر چه در قرآن «کلمه» آید به ها باید نوشت، مگر در چهار جا که به تا باید نوشت: اوّل: در انعام «۱۹»: و تمّت کلمت ربّک صدقا «۲۰»، دوم در یونس: کذلک حقّت کلمت «۲۱»، سوم در همین سوره: إنّ الّذین حقّت علیهم کلمت ربّک «۲۲»، و چهارم حم المؤمن: و کذلک حقّت کلمت ربّک «۲۳».

---

(۱) آیه ۳۰.

(۲) آیه ۵۶.

(۳) آیه ۹.

(۴) آیه ۱۰.

(۵) آیه ۱۱.

(۶) آیه ۱۰.

(۷) س: معصیت.

(۸) آیه ۵۸.

(۹) آیه ۹.

(۱۰) س: لعنت.

(۱۱) آیه ۶۱.

(۱۲) چ:- علیه.

(۱۳) آیه ۷.

(۱۴) آیه ۴۴- ۴۳.

(۱۵). س: جنّت.

(۱۶) س: جیران.

(۱۷) س: النعیم.

(۱۸) آیه ۸۹.

(۱۹) س:- در انعام.

(۲۰) آیه ۱۱۵.

(۲۱) آیه ۳۳.

(۲۲) آیه ۹۶.

(۲۳) آیه ۶.

دهم: هر چه در قرآن «ثمره» «۱» آید به ها باید نوشت، مگر در یک جا، در فصّلت: من ثمرات «۲» من أکمامها «۳».

یازدهم: هر چه در قرآن «آیه» «۴» آید به ها باید نوشت، مگر در سوره عنکبوت: و قالوا لو «۵» لا انزل علیه آیت من ربّه «۶».

امّا فطرت اللّه «۷» به تا بایـد نوشت، امّا بقیّت اللّه «۸» به تا باید نوشت: و لات حین مناص «۹» به تا باید نوشت، و أفرأیتم اللّات «۱۰» به تـا بایـد نوشت، و ذات بهجه «۱۱» به تـا بایـد نوشت، و یا أبت «۱۲» به تـا بایـد نوشت، و هیهات هیهات «۱۳» به تا باید نوشت، و قرّت عین به تـا بایـد نوشت، الّـا قرّه أعین «۱۴» در سوره السـجده به هـا است، و مریم ابنت «۱۵» به تا بایـد نوشت، و مرضات اللّه «۱۶» به تا باید نوشت.

و ألّا: هر چه در قرآن «ألّا» آید بی نون باید نوشت، مگر در ده جا که به نون باید نوشت:

اوّل: اعراف: على أن لا أقول «١٧»، و دوم در همين سوره: أن لا يقولوا «١٨» على اللّه «١٩»، سوم در سوره التوبه: أن لا ملجأ من اللّه، چهارم در سوره هود: أن لا تعبدوا إلّا اللّه «٢٠»، پنجم در همين سوره: أن لا إله إلّا

هو «۲۱»، ششم در سوره حجّ: أن لا تشرک بی شیئا «۲۲»، هفتم در یس: أن لا تعبدوا الشّیطان «۲۳»، هشتم در دخان: و أن لا تعلوا

---

(۱) س: ثمرت.

(۲) س: ثمره: با توجه به کوتاه بودن الف در رسم قرآنی این کلمه که جمع است، و شباهت آن به «ثمره» به صیغه مفرد، نیشابوری آن را در اینجا عنوان کرده است و گرنه تاء در الف و تای جمع خود به خود کشیده است، چ:

+ هر که «ثمرات» خواند علی الجمع وقف به «تا» باید کردن و به تا باید نوشتن و هر که «من ثمره» خواند به واحد، وقف به «ها» باید کردن به «ها» باید نوشتن.

(۳) آیه ۴۷.

(۴) س: آیت.

(۵) س:- لو.

(۶) آیه ۵۰.

(۷) روم/ ۳۰.

(۸) هود/ ۸۶، چ: لقدرت اللّه.

(۹) ص/ ۳.

(۱۰) نجم/ ۱۹.

(۱۱) نمل/ ۶۰.

(۱۲) یوسف/ ۴.

(۱۳) مؤمنون/ ۳۶.

(۱۴) سجده/ ۱۷.

(۱۵) تحریم/ ۱۲.

(۱۶) بقره/ ۲۰۷.

(۱۷) آیه ۱۰۵.

(۱۸) س: اقول.

(۱۹) آیه ۱۶۹.

(۲۰) آیه ۲۶.

(۲۱) آیه ۱۴.

(۲۲) آیه ۲۶.

(۲۳) آیه ۶۰.

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، متن، ص: ۹

على اللّه «۱»، نهم الممتحنه: على أن لاـ يشركن باللّه «۲»، و دهم در سوره القلم: أن لاـ يدخلنّها اليوم «۳»، و در سوره يوسف اختلاف است: أن لا تعبدوا إلّا إيّاه «۴».

أن لن «۵»: در جمیع قرآن به نون است، مگر در سه جایگاه که بی نون باید نوشت:

الکهف: ألّن نّجعل لكم موعدا «۶»، دوم، المزّمّل: ألّن تحصوه «۷»، سوم، القيامه: ألّن نجمع عظامه «۸».

فإن لم «۹»: و در هر چه

در قرآن «فإن لم» آید با نون باید نوشت: مگر در یک جا: در سوره هود: فألّم «۱۰» یستجیبوا لکم «۱۱».

إلّا: و هر چه در قرآن «إلّا» آید بی نون باید نوشت، چنانکه «۱۲»: إلّا تنفروا «۱۳»، و إلّا تصرف «۱۴»، و إلّا تغفر «۱۵»

«۱۶». این حرفها یکی است. اگر خواهند بی نون بنویسند «۱۷» و اگر با نون بنویسند بر اصل است که بنوشته اند، زیرا که دو حرف است: إن، لا. و اگر بی نون بنویسند بر لفظ نوشته اند، زیرا که نون ساقط گشته است در لفظ و مدغم گشته است نون در لام، و قرّا را در وی خلاف است.

أمّن: و هر چه در قرآن «أمّن» آید پیوسته باید نوشت، مگر در چهار جا: اوّل، نساء: أم من یکون علیهم «۱۸»، دوم، التوبه: أم من أسّس «۱۹»، سوم، الصّافّات: أم من خلقنا «۲۰»، چهارم، حم فصّلت: أم من یأتی آمنا یوم القیامه «۲۱».

ممّا: در همه قرآن پیوسته باید نوشت، مگر سه جا گسسته باید نوشت: اوّل، النساء:

فمن ما ملکت أیمانکم «۲۲» دوم، الروم: هل لکم من ما ملکت «۲۳»، و سوم،

---

(۱) آیه ۱۹.

(۲) آیه ۱۲.

(۳) آیه ۲۴.

(۴) آیه ۴۰.

(۵) س: ألّن.

(۶) آیه ۴۸.

(۷) آیه ۲۰.

(۸) آیه ۳.

(۹) چ:+ که بی نون باید نوشتن.

(۱۰) س: فإن لم.

(۱۱) آیه ۱۴.

(۱۲) چ:+ الا تفعلوا.

(۱۳) آیه ۳۹.

(۱۴) آیه ۳۳.

(۱۵) س: تغفروا، چ:+ و إلّا تنصروا.

(۱۶) آیه ۴۷.

(۱۷) چ: اگر خواهند با نون نویسند و اگر خواهند بی نون لا.

(۱۸) آیه ۱۰۹.

(۱۹) آیه ۱۰۹.

(۲۰) آیه ۱۱.

(۲۱)

آیه ۴۰.

(۲۲) آیه ۲۵.

(۲۳) آیه ۲۸.

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، متن، ص: ۱۰

المنافقون «۱»: و أنفقوا من ما رزقناکم «۲».

إنّما: در همه قرآن «إنّما» پیوسته باید نوشت، مگر در یک جا گسسته باید: الأنعام: إنّ ما توعدون لآت «۳».

أنّما: به فتح الف، در همه قرآن «أنّما» پیوسته باید نوشت، مگر در سه موضع که گسسته باید نوشت: اوّل، الحجّ: أنّ ما یدعون «۴»، دوم، لقمان «۵»: أن ما یدعون «۶» و در همین سوره نیز: و لو أنّ ما فی الأرض «۷».

عمّا: در همه قرآن پیوسته باشد، مگر در یک جا که گسسته باید: الأعراف: فلمّا عتوا عن ما نهوا «۸».

إمّا «۹»: به کسر الف و فتح، در همه قرآن بی نون باید نوشت، مگر در یک جا که امّا را با نون باید نوشت: در الرعد: و إن مّا نرینّک «۱۰».

ربوا: در همه قرآن با واو است و بعد واو الف، مگر در سوره روم با الف باید نوشت:

و ما آتیتم من ربا لیربوا «۱۱».

نشاء «۱۲»: و «نشاء» در همه قرآن به الف باید نوشت بی واو، مگر نشاء را در یک جا، در سوره هود که [به] واو پیش از الف باید نوشت: أو أن نفعل فی أموالنا ما نشؤا «۱۳» «۱۴».

علماء: در همه قرآن بی واو باید نوشت یعنی بعد میم «۱۵»، مگر در دو جا که به واو باید نوشت و بعد از واو الف: اوّل، الشعراء: علمؤا بنی إسرائیل «۱۶»، دوم، فاطر: إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا «۱۷».

انباء: در همه قرآن بی واو است، مگر در دو جا که به واو باید نوشت و بعد از

واو الف:

---

(۱) س: المنافقین.

(۲) آیه ۱۰.

(۳) آیه ۱۳۴.

(۴) آیه ۶۲.

(۵) س: اللقمان.

(۶) آیه ۳۰.

(۷) آیه ۲۷.

(۸) آیه ۱۶۶.

(۹) س: إم ما.

(۱۰) آیه ۴۰.

(۱۱) آیه ۳۹.

(۱۲) چ: یشاء.

(۱۳) س: نشا.

(۱۴) آیه ۸۷.

(۱۵) در متن چاپ شده به جای «یعنی بعد میم» عبارت «یعنی به الف باید نوشتن» آمده است.

(۱۶) آیه ۱۹۷.

(۱۷) آیه ۲۷.

اوّل، الأنعام: فسوف يأتيهم أنبؤا «۱»، دوم، الشعراء: فسيأتيهم أنبؤا «۲».

شرکاء: در همه قرآن بی واو باید نوشت، یعنی با الف بنویسند مگر در دو جا: اوّل، الأنعام: زعمتم أنهم فيكم شركؤا «۳»، دوم، شوری: أم لهم شركؤا شرعوا «۴».

شفعاء: در همه قرآن بی واو باید نوشت، مگر در یک جا: الروم: و لم يكن لهم من شركائهم شفعؤا «۵».

الضعفاء: در همه قرآن بی واو است، مگر در یک جا: ابراهیم: فقال الضعفؤا «۶».

جزاؤ: در همه قرآن به واو باید نوشت، مگر در یک جا که بی واو است: الکهف: فله جزاء الحسنى «۷».

البلاء: در همه قرآن بی واو است، مگر در دو جا که به واو بایـد نوشت: الصافّات «۸»: إن هذا لهو البلؤا المبين «۹»، الدخان: ما فيه بلؤا مبين «۱۰».

نبأ «۱۱»: در همه قرآن بی واو است، مگر در سوره ابراهیم: أ لم يأتكم نبؤا الذين «۱۲» که با واو باید نوشت، و هم در تغابن که به واو بایـد: أ لم يأتكم نبؤا الـذين كفروا «۱۳»، در سوره ص: و هـل أتيـك نبؤا الخصم «۱۴»، و هم در این سـوره: قـل هو نبؤا عظيم «۱۵».

امّا در سوره أنعام: من نبائ المرسلین «۱۶» به یاد باید نوشت. أ و «۱۷» من ینشؤا «۱۸» در سوره زخرف به واو باید. لا تظمأ: در طه به واو بایـد نوشت. تلقـاء: در سوره یونس به یـا بایـد نوشت. آناء «۱۹»: در طه به یـا بایـد نوشت. إیتـاء: در نحل: إیتائ ذی القربی «۲۰» به یا باید نوشت.

وراء: در سوره عسق: من ورائ حجاب «۲۱» به یا باید نوشت.

---

(۱) آیه ۵.

(۲) آیه ۶.

(۳) آیه ۹۴.

(۴) آیه ۲۱.

(۵) آیه ۱۳.

(۶) آیه ۲۱.

(۷) آیه ۸۸.

(۸) س:- الصافّات.

(۹) آیه ۱۰۶.

(۱۰) آیه ۳۳.

(۱۱) نباؤ.

(۱۲) آیه ۹.

(۱۳) آیه ۵.

(۱۴) آیه ۲۱.

(۱۵) آیه ۶۷.

(۱۶) آیه ۳۴.

(۱۷) س: و.

(۱۸) آیه ۱۸.

(۱۹) س: اناء.

(۲۰) آیه ۹۰.

(۲۱) آیه ۵۱.

و این همه که ذکر کردیم از: من نبائ المرسلین «۱» انعام، و از: من تلقائ «۲» سوره یونس، یا من ورائ حجاب «۳» عسق، بعد از همزه هایشان «۴» یا باید نوشت.

و از جاهای غریب و نوادر که در قرآن است یکی آن است که انـدر سوره فرقان: عتو عتوا کبیرا «۵»، بعد از عتو اوّل الف نباید نوشت.

و اندر سوره سبأ «۶»: و الذین سعوا فی آیاتنا «۷» الف نباید نوشت بعد از سعو.

و در سوره حشر: و الذین تبوؤ الدار «۸» به دو واو باید نوشت و بر سر واو ثانی همزه باید نوشت و الف نیاید «۹».

ترابا: در همه قرآن به الف باید نوشت «۱۰»، مگر در سوره النبأ که بی الف باید نوشت:

یا

ليتنى كنت تربا «۱۱».

أيّكم: در همه قرآن به يک يا بايد نوشت، مگر در يک جا كه به دو يا مى آيد: ن:

بأيكم المفتون «۱۲».

أفإن: هر چه در قرآن «أفإن» آيـد بى يا بايد نوشت، مگر يک جا كه به يا بايد نوشت: آل عمران: أ فإين مات «۱۳»، و در سوره انبيا كه: أ فإين مت «۱۴» است اختلاف كرده اند.

أءن: در يس: أءن ذكرتم «۱۵» بى يا بايد نوشت.

و اندر سوره قد أفلح المؤمنون: الذين هم فى صـلاتهم «۱۶» به الف بايـد نوشت، و از پس وى: و الذين هم على «۱۷» صلوتهم «۱۸» به واو بايـد [نوشت]، و در معـارج: و الـذين هم على «۱۹» صلاتهم «۲۰» به الف بايد نوشت، و التوبه: إن صـلوتک سـكن «۲۱» به واو بايد نوشت، و در هود: أ صلوتک تأمرک «۲۲» هم به واو است، و در انعام: و هم على

---

(۱) آيه ۳۴.

(۲) آيه ۱۵.

(۳) آيه ۵۱.

(۴). س: همزهاايشان.

(۵) آيه ۲۱.

(۶) س: السبأ.

(۷) آيه ۵.

(۸) آيه ۹.

(۹) چ: و الف ببايد نوشتن.

(۱۰) چ:+ بعد از «را».

(۱۱) آيه ۴۰.

(۱۲) آیه ۶.

(۱۳) آیه ۱۴۴.

(۱۴) آیه ۳۴.

(۱۵) آیه ۱۹.

(۱۶) آیه ۲.

(۱۷) س: فی.

(۱۸) آیه ۹.

(۱۹) س: عن.

(۲۰) آیه ۲۳ و ۳۴.

(۲۱) آیه ۱۰۳.

(۲۲) آیه ۸۷.

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، متن، ص: ۱۳

صلاتهم «۱» به الف باید نوشت. و الحیوه، زکوه، صلوه «۲»، همه در قرآن به واو باید نوشت «۳».

و هر چه در قرآن «ننجی» آید همه را به یاء باید نوشت، مگر در یک جا و

آن در سوره یونس است: علینا ننج المؤمنین «۴» که بی یا باید نوشت.

و هر چه در قرآن «بئس ما» آید همه را منفصل باید نوشت، مگر در سوره البقره:

بئسما اشتروا «۵»، و هم در این سوره: قل بئسما یأمرکم به «۶»، و در سوره اعراف: قل بئسما خلفتمونی «۷».

و هر چه در قرآن «یومهم» آید «۸» همه را متّصل باید نوشت، مگر در دو جا که گسسته باید: یکی در سوره حم مؤمن: یوم هم بارزون «۹»، و در سوره و الذاریات: یوم هم علی النار «۱۰».

و هر چه در قرآن «فیما» آید متّصل باید نوشت، مگر در یازده جا که منفصل باید نوشت: یکی در سوره البقره: فی ما فعلن «۱۱» فی أنفسهن من معروف «۱۲»، و در سوره انعام: قل لا أجد فی ما أوحی «۱۳»، و هم در این سوره: لیبلوکم فی ما اتیکم «۱۴»، و در سوره الانفال: لمسکم فی ما أخذتم «۱۵»، و در سوره الانبیاء: و هم فی ما اشتهت «۱۶»، و در سوره النور: لمسکم فی ما أفضتم «۱۷»، و در سوره الشعراء: أ تترکون فی ما ههنا «۱۸»، و در سوره الروم: من شرکاء فی ما رزقناکم «۱۹»، و در سوره الزمر: إن الله «۲۰» یحکم بینهم فی ما هم فیه یختلفون «۲۱» و در همین سوره: تحکم بین عبادک فی ما

---

(۱) آیه ۹۲.

(۲) ج:+ منوه.

(۳) ج:+ و هر چه در قرآن «و الذین هم» آید جدا باید نوشتن هم را از الذین.

(۴) آیه ۱۰۳.

(۵) آیه ۹۰.

(۶) آیه ۹۳.

(۷) آیه ۱۵۰.

(۸) س:- آید.

(۹) آیه ۱۶.

(۱۰). آیه

.۱۳

(۱۱) س:- فعلن.

(۱۲) آیه ۲۴۰.

(۱۳) آیه ۱۴۵.

(۱۴) آیه ۱۶۵.

(۱۵) آیه ۶۸.

(۱۶) آیه ۱۰۲.

(۱۷) آیه ۱۴.

(۱۸) آیه ۱۴۶.

(۱۹) آیه ۲۸.

(۲۰) س:- الله.

(۲۱) آیه ۳.

کانوا فیه «۱»، در سوره الواقعه: و ننشئکم فی ما لا تعلمون «۲» «۳».

و آورده اند: لأعذبنه «۴» یکځ کلمه است، أو لأذبحنه «۵» دو کلمه و و لاوضعوا «۶» دو کلمه است.

و آورده انـد که در مصـحفهای شامیـان «و لأـمه» به دو کلمه آورده انـد، و علم این حرفها عزیز است و غریب، «۷» تا هر کسی نیابد نداند. «۸».

و اندر سوره النور: أیه المؤمنون «۹» بی الف باید نوشت، و اندر سوره زخرف:

یأیه الساحر ادع لنا «۱۰» هم بی الف باید نوشت، و در سوره الرحمن: أیه الثقلان «۱۱» هم بی الف باید نوشت، و غیر از اینها به الف باید نوشت.

و آورده اند [از] «۱۲» خواجه ابو بکر مقسم که اندر کتاب «۱۳» هیجات «۱۴» وی در اول سوره آل عمران: إن الله لا یخفی علیه

شی ء «۱۵» «۱۶» به الف «۱۷» بایـد نـوشت، و هر چه غیر این است همه به یـا است. و ابو عبـد اللّه گفته است که جز وی [که] اندر هجا و نحو راه «۱۸» برانند و راه برده اند و در مصـحف ها و کتابت آن نظر کرده اند [گویند] که شـی ء در همه قرآن بی الف باید نوشت، مگر در سوره الکهف که: و لا تقولن لشـی ء «۱۹» که به الف باید نوشت. و اهل لغت و نحو از اهل بصـره و کوفه معنی ها گفته اند، و از جمله معنی ها یکی آن است که گفته اند بر

وزن فاعل است و اصل او شائی «۲۰». و اندر سوره جمعه خلاف کرده اند.

و هر چه در قرآن «طغی» آید به یا باید نوشت، مگر در یک جا به الف باید نوشت و آن

---

(۱) آیه ۴۶.

(۲) آیه ۶۱.

(۳) در نسخه اساس عبارت «و در سوره الزمر ... لا تعلمون» به اشتباه در صفحه دیگری آمده که به اینجا منتقل شد.

(۴) نمل/ ۲۱.

(۵) نمل/ ۲۱.

(۶) توبه/ ۴۷.

(۷) چ: و علت این حرفها غریب است و عجیب زیرا که.

(۸) در نسخه اساس عبارت «و آورده اند لأعذبنه ... نداند» اشتباها در صفحه دیگری آمده که به اینجا منتقل گردید.

(۹) آیه ۳۱.

(۱۰) آیه ۴۹.

(۱۱) آیه ۳۱.

(۱۲) س: که.

(۱۳) س: کتابت.

(۱۴) چ: الهیجات.

(۱۵) در کتابت عثمان طه: شی ء.

(۱۶) آیه ۵.

(۱۷) س:- به الف.

(۱۸) چ: نحوده.

(۱۹) آیه ۲۳.

(۲۰) چ: شیأن.

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، متن، ص: ۱۵

در سوره الحاقّه است که: لما طغا الماء «۱».

و در سوره انعام: أئنكم لتشهدون «۲» به یا باید نوشت «۳»، و در سوره النمل: أئنكم لتأتون الرجال «۴» هم به یا باید نوشت، و اندر سوره عنکبوت «۵»: أئنكم لتأتون الرجال «۶» هم به یا باید نوشت، و اندر سوره حم السجده: قل أئنكم لتكفرون «۷» هم به یا باید نوشت.

و بعضی گفته اند: بدین چند کلمه «۸» «أئنّكم» به یا باید نوشت، و هر چه جز این است بی یا باید نوشت و اختلاف کرده اند در سوره الاعراف: أنكم لتأتون الرجال «۹» و اندر سوره النمل نیز اختلاف کرده اند. و بعضی گفته اند: اندر سوره

الاعراف: أنكم لتأتون الرجال «۱۰» به یا باید نوشت اندر «۱۱» مصحف های «۱۲» اهل مدینه، و اندر سوره النمل:

أ انکم لتأتون الرجال «۱۳» به یا است اندر همه مصحف ها «۱۴»، و صواب نیز قول ابن کثیر است که گفته است: انـدر اعراف إنکم «۱۵» بی یا است، و «۱۶» اندر نمل با یا است، و اندر اعراف نیز: إن لنا «۱۷» بی یا است، و در شعرا أئن لنا «۱۸» با یا است.

أئنّا: در همه قرآن بی یا باشد، مگر دو جا که با یا نوشته اند: یکی در سوره النحل:

أءذا کنا ترابا و آباؤنا أئنا لمخرجون «۱۹»، و در سوره و الصافّات: أئنا لتارکوا ءالهتنا «۲۰».

أئذا: در همه قرآن بی یا باید نوشت، مگر یک جا در سوره الواقعه: و کانوا یقولون أئذا متنا و کنا «۲۱» با یا باید نوشت.

تغنی «۲۲»: در سوره یونس با یا باید نوشت که: و ما تغنی الآیات «۲۳»، و اندر سوره

---

(۱) آیه ۱۱.

(۲) آیه ۱۹.

(۳) چ:- و در سوره ... نوشت.

(۴) آیه ۵۵.

(۵) چ: اعراف.

(۶) آیه ۲۹.

(۷) آیه ۹.

(۸) چ: چند جای.

(۹) آیه ۸۱.

(۱۰) آیه ۸۱.

(۱۱) چ: مگر در.

(۱۲) چ:+ اهل شام و.

(۱۳) آیه ۵۵.

(۱۴) س:- ها.

(۱۵) آیه

(۱۶) چ:+ نبشته اند که.

(۱۷) آیه ۱۱۳.

(۱۸) آیه ۴۱.

(۱۹) آیه ۶۷.

(۲۰) آیه ۳۶.

(۲۱) آیه ۴۷.

(۲۲) چ: و ما تغنی.

(۲۳) آیه ۱۰۱.

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، متن، ص: ۱۶

القمر: فما تغن النذر «۱» بی یا باید نوشت و «۲» الأصل فیهما واحد.

یؤت: در سوره النساء: یؤت الله المؤمنین «۳» بی

یا باید نوشت، و در سوره البقره:

یؤتی الحکمه من یشاء «۴» با یا باید نوشت [و] الأصل فیهما واحد.

یـدع: در سوره سـبحان: و یدع الإنسان «۵»، و در سوره القمر: یـدع الـداع «۶»، و در سوره العلق: سـندع الزبانیه «۷» بی واو باید نوشتن «۸».

و هر چه در قرآن «لکیلا» آید منفصل باید نوشت، مگر سه جا که متّصل باید نوشت:

در سوره الحجّ: لکیلا یعلم من بعد علم «۹»، و در سوره احزاب: لکیلا یکون علیک حرج «۱۰»، و در سوره الحدید: لکیلا تأسوا علی ما فاتکم «۱۱».

و هر چـه در قرآن: «أن لم» «۱۲» آیـد بی نون بایـد نوشت، مگر در دو جا که با نون باید نوشت: یکی در سوره انعام: ذلک أن لم یکن ربک «۱۳»، و در سوره البلد: أن لم یره أحد «۱۴».

و هر چه انـدر قرآن «کلّمـا» آیـد متّصل بایـد نوشت، مگر در پنـج جا که منفصل بایـد نوشت: در سوره النساء: کل ما ردوا إلی الفتنه «۱۵»، در سوره الاـعراف: کـل ما «۱۶» دخلت أمه «۱۷»، و در سوره بنی اسـرائیل: کـل ما خبت زدناهم سـعیرا «۱۸» و در سوره الملک: کل ما ألقی فیها «۱۹»، و در سوره النوح: انی دعوتهم «۲۰».

و هر چه در قرآن «الملأ» «۲۱» آیـد همه را به الف باید نوشت، مگر در چار «۲۲» جا که به واو بایـد نوشت و بعد از واو الف: یکی در سوره قد افلح المؤمنون: فقال الملؤا الذین

---

(۱) آیه ۵.

(۲) س:- و.

(۳) آیه ۱۴۶.

(۴) آیه ۱۶۹.

(۵) آیه ۱۱.

(۶) آیه ۶.

(۷) آیه ۱۸.

(۸) در نسخه اساس، عبارت «و در سوره

القمر ... نوشتن» به اشتباه در صفحه دیگری آمده که به اینجا منتقل شد.

(۹) آیه ۵.

(۱۰) آیه ۵۰.

(۱۱) آیه ۲۳.

(۱۲) چ: ألم.

(۱۳) آیه ۱۳۱.

(۱۴) آیه ۷.

(۱۵) آیه ۹۱.

(۱۶) س:- ما.

(۱۷) آیه ۳۸.

(۱۸) آیه ۹۷.

(۱۹) آیه ۸.

(۲۰) آیه ۷.

(۲۱) س: الملاء.

(۲۲) س: جار (به جیم).

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، متن، ص: ۱۷

کفروا «۱»؛ و در سوره النمل در سه جا «۲»: قال «۳» یا أیها الملؤا أیکم یأتینی «۴».

و یمح الله «۵» الباطل «۶»: بی واو باید نوشت، و یمحوا الله ما یشاء «۷» به واو باید نوشت.

و در سوره النمل: و ما أنت بهادی العمی «۸» به یا باید نوشت، و اندر سوره روم: و ما أنت بهاد العمی «۹» بی یا باید نوشت.

و در سوره اعراف: قال ابن أم «۱۰» أمّ را از ابن جدا باید نوشت، و اندر طه: قال یابن ؤم «۱۱» «۱۲» گسسته باید نوشت، امّا به

واو باید نوشت «۱۳».

و انـدر سوره یوسف: لـذو علم «۱۴»، و در سـوره حم مـؤمن «۱۵»: ذو العرش «۱۶»، و در سوره حم السـجده: لـذو مغفره، و ذو عقاب «۱۷»، و در سوره جمعه: و الله ذو الفضـل العظیم «۱۸»، و در سوره البروج: ذو العرش المجیـد «۱۹» اندر این شش جا ذو بی الف باید نوشت، و هر چه جز این آید به الف باید نوشت.

و در سوره قد افلح: و لعلا بعضـهم «۲۰»، و در سوره قصـص: علا فی الأرض «۲۱»، در این هر دو جا به الف بایـد نوشت از بهر آنکه فعل است از علا، یعلو.

و

اندر سوره یوسف: لدا الباب «۲۲» به الف باید نوشت، و اندر سوره حم مؤمن:

لدی الحناجر «۲۳» به یا نوشت.

---

(۱) آیه ۲۴.

(۲) چ:+ قالت یا أیها الملؤا إنی ألقی، و قالت یا أیها الملؤا أفتونی.

(۳) س: قالت.

(۴) آیه ۳۸.

(۵) س:- اللّه.

(۶) آیه ۲۴.

(۷) آیه ۳۹.

(۸) آیه ۸۱.

(۹) آیه ۵۳.

(۱۰) آیه ۱۵۰.

(۱۱) س: یا ابن یبنؤمّ. در حالی که «یا ابن» خط خورده است. بر اساس عبارت بعدی ضبط گردید.

(۱۲) آیه ۶۸.

(۱۳) چ: و در سوره طه: یبنؤمّ یابنوأ به «یا» و «نون» و «واو» باید نوشتن و «میم» منفصل باید نوشتن.

(۱۴) آیه ۶۸.

(۱۵) س: مؤمنین.

(۱۶) آیه ۱۵.

(۱۷) آیه ۴۳.

(۱۸) آیه ۴.

(۱۹) آیه ۱۵.

(۲۰) آیه ۹۱.

(۲۱) آیه ۴.

(۲۲) آیه ۲۵.

(۲۳) آیه ۱۸.

فما للذین و فما لهؤلاء متّصل باید نوشت لام للذین «۱» و هولاء، چنان که فما للذین «۲»، و ما للظالمین «۳»، مگر به چار «۴» جا که مقطوع بایـد نوشت لاـم از مـا: یکی در سوره النساء: فمال هؤلاء القوم «۵»، و در سوره الکهف: مال هـذا الکتاب «۶»، و در سوره فرقان: مال هذا الرسول «۷»، و در سوره المعارج: فمال الذین کفروا «۸».

أبناء: در همه قرآن بی واو باید نوشت، مگر در یک جا در سوره المائده: نحن أبنؤا الله و أحباؤه «۹».

رأی: در همه قرآن از پس همزه یا نباید نوشت، مگر به دو جا: یکی در سوره و النجم:

ما کذب الفؤاد ما رأی «۱۰»، و هم در این سوره:

لقد رأى «۱۱».

و هر چه اندر قرآن «وراء» آید بی یا باید نوشت، مگر یک جا به یا باید نوشت: در سوره حم عسق: أو من ورای ء «۱۲» حجاب «۱۳» با یا باید نوشتن «۱۴» از پس «۱۵» همزه.

الدّعاء: در همه قرآن بی واو باید نوشت، مگر در یک جا که با واو باید نوشت: در سوره المؤمن: و ما دعؤا الکافرین «۱۶». دعوا الله «۱۷» و عصوا الرسول «۱۸» و تبوؤا الدار «۱۹» به الف باید نوشت از پس «۲۰» واو. و امّا رأو «۲۱» العذاب «۲۲»، و جاؤ بالبینات «۲۳»، فباؤ بغضب «۲۴» بی الف باید نوشت از پس «۲۵» واو.

و یعفوا: هر چه در قرآن آید به الف باید نوشت، مگر یک جا که بی الف است: در سوره النساء: عسی الله أن یعفو عنهم «۲۶».

امّا: صال الجحیم «۲۷»، لهاد الذین «۲۸»، واد النمل «۲۹»، و ینادی المناد «۳۰» بی یا باید

---

(۱) چ: لام با الذّین.

(۲) آیه

(۳) آیه

(۴) س: جا (به جیم).

(۵) آیه ۷۸.

(۶) آیه ۴۹.

(۷) آیه ۷.

(۸) آیه ۳۶.

(۹) آیه ۱۸.

(۱۰) آیه ۱۱.

(۱۱) آیه ۱۸.

(۱۲) س: ورای.

(۱۳) آیه ۵۱.

(۱۴) س:- نوشتن.

(۱۵) س: از بس.

(۱۶) آیه ۵۰.

(۱۷) اعراف/ ۱۸۹.

(۱۸) نساء/ ۴۲.

(۱۹) حشر/ ۹.

(۲۰) س: بس.

(۲۱) س: راؤ.

(۲۲) بقره/ ۱۶۶.

(۲۳) آل عمران/ ۱۸۴.

(۲۴) بقره/ ۹۰.

(۲۵) س: بس.

(۲۶) آیه ۹۹.

(۲۷) صافات/ ۱۶۳.

(۲۸) حجّ/ ۵۴.

(۲۹) نمل/ ۱۸.

(۳۰) ق/ ۴۱.

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، متن، ص: ۱۹

نوشت.

و امّا: ءاتى الرحمن «۱»، حاضرى المسجد الحرام «۲»، و محلى الصيد

«۳» و غیر معجزی الله «۴»، و المقیمی الصلوه «۵» و مهلکی القری «۶» همه را به یا باید نوشت.

و امّا: جزاء بی واو باید نوشت.

و کفؤا و هزؤا به واو باید نوشت «۷».

امّیا: بین المرء و زوجه «۸» و جزء مقسوم «۹» و یخرج الخب ء «۱۰» و مل ء الأرض «۱۱» این همه بی الف باید نوشت، یعنی همزه باید نوشت بی واو و الف.

و اندر سوره الحجّ: و لؤلؤا و لباسهم «۱۲» به الف باید نوشت، و اندر سوره الملائکه:

و لؤلؤا «۱۳» بی الف باید نوشت.

یسئلونک: در همه قرآن بی الف باید نوشت، مگر در سوره الاحزاب: یسألون عن أنبائکم «۱۴».

أینما: در همه قرآن گسسته باید نوشت، مگر در چهار «۱۵» موضع که متّصل باید نوشت:

یکی در سوره البقره: فأینما تولوا فثم «۱۶»، و در سوره النحل: أینما یوجهه «۱۷»، و در سوره الشعراء: أینما کنتم تعبدون «۱۸»، و در سوره الاحزاب: أینما ثقفوا «۱۹».

و امّا: فلما ذاقا الشجره «۲۰» و استبقا الباب «۲۱» و کلتا الجنتین «۲۲» این هر سه به الف باید نوشت.

و امّا: و من یتول الله «۲۳» بی یا باید نوشت.

---

(۱) مریم/ ۹۳.

(۲) بقره/ ۱۹۶.

(۳) مائده/ ۱.

(۴) مائده/ ۳.

(۵) حجّ/ ۳۵.

(۶) قصص/ ۵۹.

(۷) چ:+ و مل ء الأرض، و این همه بی الف باید نوشت.

(۸) بقره/ ۱۰۲.

(۹) حجر/ ۴۴.

(۱۰) نمل/ ۲۵.

(۱۱) آل عمران/ ۹۱.

(۱۲) آیه ۲۳.

(۱۳) آیه ۳۳.

(۱۴) آیه ۲۰.

(۱۵) س: جهار به جیم.

(۱۶) آیه ۱۱۵.

(۱۷) آیه ۷۶.

(۱۸) آیه ۴.

(۱۹) آیه ۶۱.

(۲۰) اعراف/ ۲۲.

(۲۱) یوسف/ ۲۵.

(۲۲) کهف/ ۳۳.

(۲۳) مائده/ ۵۶.

و امّا إن نفعت «۱» و إن نسينا «۲» به دو «۳» نون بايد نوشت.

و كيف يهدى الله «۴» به يا بايد نوشت، من يهد الله «۵» بى يا بايد نوشت.

و امّا: أ و لم ير الذين «۶» بى يا بايد نوشت «۷»، و ترى الناس «۸» با يا بايد نوشت.

إنما يخشى الله «۹» و تخشى الناس «۱۰» به يا بايد نوشت.

و أيما الأجلين «۱۱» موصول بايد نوشت، و أيا ما تدعوا «۱۲» مقطوع بايد نوشت، و يخش الله و يتقه «۱۳» «۱۴» بى يا بايد نوشت، و إن يردن الرحمن «۱۵» بى يا بايد نوشت، و أرادنى الله «۱۶» به يا بايد نوشت.

و امّيا: ألقى السمع «۱۷» و يوم التقى الجمعان «۱۸» و فهدى الله «۱۹» و إحدى الطائفتين «۲۰» و يتوفى الذين «۲۱» و يتوفى الأنفس «۲۲» و أنى أوفى الكيل «۲۳» و عقبى الدار «۲۴» و ألقى السامرى «۲۵» و نأتى الأرض «۲۶» و ما يلقى الشيطان «۲۷» و إنک لتلقى القرآن «۲۸» و أدنى الأرض «۲۹» و بخالصه ذكرى الدار «۳۰» و يلقى الروح «۳۱» و إحدى ابنتى «۳۲» و إحدى الحسنيين «۳۳» و يغشى اليل «۳۴» و استغنى الله «۳۵» و أتى الذين «۳۶» و نهى النفس «۳۷» و الأشقى الذى «۳۸» و الأتقى الذى «۳۹»

---

(۱) اعلى/ ۹.

(۲) بقره/ ۲۸۶.

(۳) چ:- دو.

(۴) آل عمران/ ۸۶.

(۵) اعراف/ ۱۷۸.

(۶) انبيا/ ۳۰.

(۷) چ:+ و يرى الذين و ترى الذين.

(۸) حجّ/ ۲.

(۹) فاطر/ ۲۸.

(۱۰) احزاب/ ۳۷.

(۱۱) قصص/ ۲۸.

(۱۲) اسراء/ ۱۱۰.

(۱۳) س: دینّقه.

(۱۴) نور/ ۵۲.

(۱۵) یس/ ۲۳.

(۱۶) زمر/ ۳۸.

(۱۷) ق/ ۳۷.

(۱۸) آل عمران/ ۱۶۶.

(۱۹) بقره/ ۲۱۳.

(۲۰) انفال/ ۷.

(۲۱) انفال/ ۵۰.

(۲۲) زمر/ ۴۲.

(۲۳) یوسف/ ۵۹.

(۲۴) رعد/ ۲۲.

(۲۵) طه/ ۸۷.

(۲۶) رعد/ ۴۱.

(۲۷) حجّ/ ۵۳.

(۲۸) طه/ ۶.

(۲۹) روم/ ۳.

(۳۰) ص/ ۴۶.

(۳۱) غافر/ ۱۵.

(۳۲) قصص/ ۲۷.

(۳۳) توبه/ ۵۲.

(۳۴) اعراف/ ۵۴.

(۳۵) تغابن/ ۶.

(۳۶) ذاریات/ ۵۲.

(۳۷) نازعات/ ۴۰.

(۳۸) تغابن/ ۱۵.

(۳۹) اللیل/ ۱۷.

رسم القرآن(گنجینه بهارستان ۱)، متن، ص: ۲۱

و مسمی و مصلی و دعوی و هدی و أدنی و طوبی و طوی و حتی و مفتری و تؤتی و سدی و مصفی «۱» و إنما یوفی الصابرون «۲» و بما کسبت أیدی الناس «۳» و هدی الله «۴» و قد هدی «۵» «۶»، این جمله که ذکر رفت با یا باید نوشت.

أما اشتملت و أما ذا کنتم «۷» به یک میم باید نوشت، و اگر به دو میم بنویسند هم روا است. و اصل أم ما است، با میم ما ادغام کرده شده است.

این حرفها را «۸» جماعتی از امامان و فقیهان و بزرگان دین چنین گفته اند که واجب است بر مقریان و قاریان که هر یکی از این رسم «۹» را بدانند و بعد از آن به نوشتن مصحف مشغول گردند «۱۰».

و السلام علی من اتّبع الهدی فی شهر صفر، ختم بالخیر و الظفر، من سنه ألف و أربعه عشر، من هجره خیر البشر، علیه و آله الصلوات من اللّه الأکبر. [۱۰۱۴ ق]

---

(۱) چ: مصفّ.

(۲) زمر/ ۱۰.

(۳) روم/ ۴۱.

(۴) بقره/ ۱۴۳.

(۵) چ: فقد هوی.

(۶) طه/ ۸۱.

(۷) آیه ۸۴.

(۸) س:- را.

(۹) چ:+ خط.

(۱۰) چ:+ تا عند الله آثم نشود.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹